

دو قول مطرح تا زمان صاحب معالم :

اوّل : عدم حقیقت شرعیه مطلقاً

دوّم : ثبوت حقیقت شرعیه مطلقاً

در زمان مرحوم صاحب معالم ← قول **دوم** مشهور بوده

قول **اوّل** ← قول **متأخرین** ← عدم حقیقت شرعیه مطلقاً

قول **دوم** ← قول **قدما** ← **ثبوت** حقیقت شرعیه مطلقاً

کلام میرزای
شیرازی

قول سوم:

ثبوت حقیقت شرعی در عبادات و عدم آن در معاملات

قول چهارم:

ثبوت حقیقت شرعی در الفاظ کثیرة الاستعمال و عدم آن در غیر آن

قول پنجم:

ثبوت حقیقت شرعی در عصر صادقین و عدم آن در قبل از آن

کلام

صاحب

هدایة

السترشدین

(۱)

قول ششم :

ثبوت حقیقت شرعیه در الفاظ کثیره الاستعمال در زمان پیامبر و بقیه الفاظ در زمان
صادقین و عدم آن در غیر این دو مورد.
این قول به قول چهارم بر می گردد

کلام

صاحب

هدایه

السترشدین

(۲)

قول ششم :

ثبوت حقیقت شرعیه در برخی الفاظ و عدم آن در برخی دیگر بدون وجود ملاک
روشن

با توجه به اینکه بی ملاک بودن تفصیل هفتم، و عدم قبول تفصیل پنجم و ششم
از دیدگاه ایشان ۴ قول مطرح است

نکته

علت قول به عدم حقیقت شرعیه در معاملات :

حقیقت شرعیه در الفاظی است که متداول در معانی جدید باشد.
در حالیکه الفاظ معاملات در معنای جدیدی استعمال نشده اند و شارع همان
معانی عقلایی را امضاء کرده است

لذا این تفصیل به قول به «**ثبوت مطلق**» باز می گردد

و اگر کسی گفت در الفاظ عبادات حقیقت شرعیه داریم:
مطلقاً پذیرفته است که در الفاظ متدواله، حقیقت شرعیه داریم

با همین بیان، بحث در تفصیل دیگر هم معلوم می شود.
چراکه الفاظ «**کثیرة الدوران**» محل نزاع هستند و بس

بحث در ثبوت مطلق یا عدم ثبوت مطلق «حقیقت شرعیه» :

در الفاظی است که «کثیرة الاستعمال در معنای غیر عرفی» در لسان پیامبر

اسلام(ص) بوده اند

به گونه ای که : ما احتمال می دهیم پیامبر اسلام(ص) آنها را برای معانی جدید

وضع کرده باشد

جمع بندی

در همین قول به ثبوت مطلق و عدم ثبوت مطلق هم **۴ قول** مطرح است

وضع تعینی :

۱. **وضع تعینی متدوال** ← قطعاً در ما نحن فیه مطرح نیست
چراکه : اگر این وضع وجود داشت، خبر آن به ما می رسید
۲. **وضع تعینی حاصل از استعمال خاص** ← ممکن است

قول مرحوم
آخوند

الفاظ متدواله در لسان شارع
قبلاً در ادیان دیگر هم مطرح بوده است

احتمال اول:

حکم این صورت:

این الفاظ، حقیقت لغوی بوده اند.

تفاوت نماز در اسلام با نماز در مسیحیت، از باب اختلاف در محقق های موضوع
له و مصادیق است

قول مرحوم
آخوند (۲)

این معانی در شریعت اسلام حادث شده است

احتمال دوم:

حکم این صورت: می توان ادعای قطع کرد به اینکه «وضع تعیینی حاصل از استعمال خاص شارع» موجود بوده است

دلیل: تبادر معانی شرعیه از الفاظی است که در محاورات شارع موجود بوده، و ما احتمال حقیقت شرعیه را در آنها می دهیم

مؤید: چه بسا بین معانی شرعیه و معانی لغویه هیچ علاقه ای موجود نیست تا بخواهد استعمالات مجازی را پدید آورد

قول مرحوم
آخوند (۳)

اقوال در
مسأله

اگر احتمال اول را مطرح کردیم :

نه قطع و نه اطمینان به وجود حقیقت شرعیه، پیدا نمی شود

اگر احتمال اول را مطرح نکردیم :

حقیقت شرعیه به نحو وضع تعینی، قابل اثبات نیست.

ولی به نحو وضع تعینی مسلّم واقع شده است

قول مرحوم

آخوند (۴)

نکته اول:

مبنای مرحوم آخوند بر دو امر استوار است:
 الف) این الفاظ در شرایع سابقه در این معانی استعمال نشده باشد.
 ب) وضع تعینی بالاستعمال الخاص ممکن باشد

ما

می گوییم:

نکته دوم:

در باره امر دوّم گفتیم، این نوع وضع ممکن نیست!
 هرچند ممکن است وضع در نفس پیامبر اعظم(ص) حاصل شده باشد و بعد پیامبر
 به وسیله استعمال خاص از آن خبر داده باشد

ما این نحوه از وضع تعینی را از مرحوم آخوند نپذیرفتیم
ولی گفته ایم که وضع تعینی در افق نفس واضح است و در مرحله بعد واضح از
آن خبر می دهد.

(گاه به الفاظ صریحه و گاه به «نوع خاص از استعمال»)

ما

می گوییم :

نقد :

این نوع استعمال هم امری مهم و قابل نقل بوده و انگیزه ای هم بر اخفاء آن نبوده
است (همانند وضع تعینی متداول)

تفاوت کلام مرحوم آخوند و باقلانی :

باقلانی :

صلوة قبل از اسلام و بعد از اسلام به معنای دعا بوده با تفاوت های مصداقی

کلام آخوند :

صلوة قبل از اسلام و بعد از اسلام به معنای نماز بوده با تفاوت های مصداقی

ما

می گوییم :